

22a Chadwell St.
London EC1R 1XE

۱۲ مارس

ژاله عزیزم
 به کتابت "البزین شکست" قال گوینم (بینم من چه کارگوش جواب آمد
 "دست عشق". حال به باز در محقق مراسم (نوشتن این نامه است.
 وقتی در صله اولی (ترا دیدم مکنه شعر و ادبش ثبوت را خوانم بکده فقه در وین مکان خرد.
 ثبوت را جع به کول بودن بدو گفتند (حدود چهارده سال پیش از آنکه آن.
 دلیل مکان خردن من آن بود (من نیز "شرح حال" در رابطه با کول بودن خود حدود نهم
 سال پیش نوشته بودم و فکر می کردم (قرن بازن ایران دیگر زودتر بشوم (اواس
 شبه عن داشته یا اصلا اواس کول بودن مکنه.
 البته نوشته من در مقابل شرح نوشته و بالا شد طفلک که صحت این ام پیش نیست دل مکان
 خردن من از نزدیکی اواس بود و اینکه مکنه به فعل بود اواس نزدیک کردم.
 حال آن "شرح حال"

۴ و ۵ دقیقه بعد از ظهر دوشنبه ۹ دی ماه ۱۹۷۹

مکونه هند
 برات حکین
 از برای وطن
 جز زخم مادت
 دلشکین
 با این همه خون
 با این همه اشک و خون
 (ناخوش بودن؟
 من کول بودم
 من کول باز شدم
 والسته ام
 نه به فضل در سر زمین
 بل به کورسها در فضل
 دلشکین
 دلشکین برار وطن خردان
 من کول خردم
 از خونبار خوارات دیرین
 از وطن خردان
 من کول خردم
 به بار اشک
 به بار خون

ایستادگام (مکتب) را در دنیا آورده باشم.

اصالتاً بود در آن روز حق را که در تقیضش را با آنکه سبزه درونم.

شادستی را از درونم

با سگای زاهدان

و دنیا را که تیره کرده